

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰

صفحات: ۱۳۵-۱۱۵

چالشهای جامعه بین‌المللی در اقدامات یکجانبه‌گرایانه آمریکا

در دوران دونالد ترامپ

مهدی اشتری

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

علی پورقصاب امیری*

استادیار گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

فخرالدین ابوبیہ

استادیار گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

چکیده

دونالد ترامپ در دوران ریاست‌جمهوری خود با توجیه منافع ملی آمریکا، اقدامات یکجانبه‌ای را انجام داده است که به چالشی برای جامعه بین‌المللی تبدیل شده است. ترامپ با ادعای اینکه آمریکا با ایجاد نظم بین‌الملل لیبرال معاملات بدی انجام داده است، مهمترین اقدام خود را بر خروج از این معاهدات و کاهش تعهدات آمریکا قرار داد. بر این مینا، به دنبال بررسی این امر هستیم که اقدامات یکجانبه‌گرایانه دونالد ترامپ شامل چه مواردی بوده و با چه اهدافی صورت گرفته است؟ همچنین، این اقدامات به چه شکل به چالش در عرصه بین‌المللی تبدیل شده است؟ در مطالعات صورت گرفته ملاحظه می‌گردد که آمریکا اقدامات یکجانبه‌گرایانه خود را با دو شاخص هژمونیک‌گرایی و نظامیگری مبتنی کرده و بر این مینا، با خروج از توافقات برجام و اعمال تحریم علیه مردم ایران، نفتا، ترنس-پسیفیک، یونسکو، شورای حقوق بشر، توافق پاریس و توافق نیویورک نشان داد که نه تنها برای نگرانی‌های جامعه بین‌المللی اهمیتی قائل نیست، بلکه وعده‌های انتخاباتی خود از جمله کاهش بیکاری و بهبود اقتصاد را با قربانی کردن حقوق بشر و محیط‌زیست بنا نموده است. به علاوه، با ترور سردار سلیمانی نیز ضمن نقض حقوق بین‌الملل از جمله نقض حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی عراق، ممنوعیت تهدید یا توسل به زور و نقض حقوق بشر، از هیچ رفتاری که برهم‌زننده نظم و امنیت بین‌المللی باشد، ابایی ندارد.

واژگان کلیدی: جامعه بین‌المللی، یکجانبه‌گرایی، ایالات متحده آمریکا، دونالد ترامپ.

مقدمه

از زمانی که آمریکا در سال ۱۷۷۶ اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا از بریتانیا را به جهانیان اعلام کرد، تا دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ، این کشور همواره خود را به عنوان یک استثنا در میان ملتها و کشورها معرفی نموده است (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۴۴).

به قدرت رسیدن ترامپ، آغازی بر ایجاد تغییرات منفی در حوزه قدرت نرم در آمریکا می‌باشد. شخصیت و رفتار پیش‌بینی‌ناپذیر، متناقض، حساس، و بی‌پروای ترامپ بر تعاملات خارجی آمریکا تأثیر گذاشته و این امر رهبران خارجی را نسبت به سیاست خارجی آمریکا بی‌اعتماد نمود (کریمی‌فرد، ۱۳۹۶: ۲۹۲).

رویکرد ترامپ بر این دیدگاه بود که آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم با ایجاد نظم بین‌الملل لیبرال یک معامله بد انجام داده است و او به سه دلیل می‌خواهد به این نظم بین‌الملل لیبرال پایان دهد: الف- آمریکا تعهدات زیادی را در سرتاسر جهان پذیرفته است. ب- اقتصاد جهانی مزیتی برای ایالات متحده آمریکا نداشته است. ج- آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم به مثابه یک مرد قدرتمند، اما دلسوز رفتار کرده است (Wright, 2016: 12).

اقدامات ترامپ عملاً عدم اعتقاد او به قدرت نرم و در نتیجه، اعتقاد راسخ او به افزایش قدرت سخت و نشان دادن چهره‌ای خودخواه و بی‌اعتنا به دوستان و متحدان را نشان می‌دهد. این انتقاد را جوزف نای در زمان ریاست‌جمهوری جورج بوش جمهوری‌خواه نیز مطرح کرده بود که تحمیل امپریالیستی ارزش‌های یک کشور به کشورهای دیگر ممکن است نه باعث جلب دیگران شود و نه قدرت نرم را به وجود آورد (Nye, 2004: 65).

ترامپ با رویگردانی از چندجانبه‌گرایی لیبرالیسم به یک‌جانبه‌گرایی رئالیستی روی آورده و این موضوع باعث تکدر خاطر بسیاری از هم‌پیمانان آمریکا برای حل و فصل مسایل مهم جهانی شده است. ترس از چهره هیولایی و سخت آمریکا در نظر ترامپ تأثیرگذارتر از چهره جذاب و نرم این کشور خواهد بود. این اندیشه باور اساسی ترامپ و طرفداران او در داخل آمریکا است. به جز مبانی فکری رئالیسم و انزواگرایی خودخواسته که ترامپ از آنها تغذیه می‌کند، باید به شخصیت ترامپ هم توجه کرد. ترامپ صرفاً یک سیاستمدار تندرو نیست، بلکه از نقاط ضعفی مانند شلختگی فکری، نفرت، توهم و خودشیفتگی نیز رنج می‌برد (Sachs, 2018: 15).

لذا، شاهد اقدامات یکجانبه در اشکال مختلف به منظور کاهش تعهدات آمریکا در سطح بین‌المللی و زمینه‌سازی برای انجام اعمالی که به گفته او منافع ملی آمریکا را تامین می‌کند و البته، این اقدامات بدون توجه به منافع جامعه بین‌المللی اتخاذ گردید و لذا، چالش‌های بزرگی را در دوران ریاست جمهوری او ایجاد نمود.

در مورد اقدامات یکجانبه‌ای که منشا اثرات حقوقی بین‌المللی هستند، تصریح شده که اصل

_____ چالشهای جامعه بین‌المللی در اقدامات یکجانبه‌گرایانه آمریکا..... ۵
مسلمی در حقوق بین‌الملل وجود دارد که به موجب آن یک دولت نمی‌تواند تعهداتی را بر دیگر دولت‌ها یا سایر موضوعات حقوق بین‌الملل بدون رضایت آنها تحمیل کند. اقدامات و تصمیمات یکجانبه حتی با اهداف و مقاصد موجهی چون حمایت از محیط‌زیست نیز هیچگاه مورد پذیرش جامعه حقوقی بین‌المللی نبوده است (علوم یزدی، ۱۹۹: ۴).

بر این مبناء، به دنبال بررسی این امر هستیم که اقدامات یکجانبه‌گرایانه دونالد ترامپ شامل چه مواردی بوده و با چه اهدافی صورت گرفته است؟ همچنین، این اقدامات به چه شکل به چالش در عرصه بین‌المللی تبدیل شده است؟ روش تحقیق استفاده شده در این مقاله، روش تحلیلی-توصیفی است و منابع مورد استفاده عبارتند از: جمع‌آوری داده‌ها، استفاده از کتب، اسناد بین‌المللی، مقالات و همچنین، از فیش‌برداری بعنوان ابزار مطالعه استفاده شده است.

ادبیات تحقیق

پیش از ورود به بحث چالشهای جامعه بین‌المللی در اقدامات یکجانبه‌گرایانه آمریکا در دوران دونالد ترامپ لازم است تا پیرامون دو واژه یکجانبه‌گرایی و جامعه بین‌المللی مطالبی ارائه نماییم تا زمینه برای ورود به بحث اصلی بهتر فراهم شود.

یکجانبه‌گرایی

منظور از یکجانبه‌گرایی، سیاستی است که برپایه آن، یک کشور برای تأمین امنیت و منافع ملی‌اش تنها بر منافع خود تکیه نماید. کشورها می‌توانند دارای رویکرد یکجانبه‌گرایانه باشند؛ اما هم در امور بین‌المللی شرکت فعال داشته باشند و هم بر توانایی‌ها و راه‌حل‌های خود تکیه کنند. چنین دولتهایی عملاً خود را بی‌نیاز از دیگر دولت‌ها دانسته و بر توانایی‌های خود در مقابله با عقاید باور دارند، و لذا دلیلی برای ایجاد تعهد در مقابل سایر دولت‌ها نمی‌بینند (پلینو و آلتون، ۱۳۵۷: ۲۵ - ۲۶).

از لحاظ تاریخی، موضوع یکجانبه‌گرایی، یکی از سیاستهای اساسی و زیربنایی سیاست خارجی کشور ایالات متحده آمریکا به شمار می‌آید. در این زمینه، جورج واشنگتن، اولین رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۱۷۹۶، نسبت به ائتلاف دائمی آمریکا با کشورهای دیگر هشدار می‌دهد. براساس این تفکر، آمریکا کشوری استثنایی در عرصه بین‌المللی است و این استثنائگرایی باید در تمام وجوه سیاست خارجی آن جاری باشد (رحمانی و جعفری، ۱۳۹۸: ۵۴).
اوج این یکجانبه‌گرایی استثنائگر را می‌توان در دکترین مونروئه مشاهده کرد. مونروئه در سال ۱۸۲۳ بر تفاوت رویکردها و نیت آمریکا و اروپا در نیمکره غربی اشاره می‌کند و آمریکا را قدرت مسلط بر این نیم‌کره می‌داند (نامدار و ندایی، ۱۳۹۷: ۲).

جامعه بین‌المللی

جامعه بین‌المللی مفهومی پویا است که همواره در سطح نظام بین‌الملل تحول و قبض و بسط پیدا می‌کند. مفهوم جامعه بین‌المللی در عرصه نظری و فکری از رویکرد «کانتی» تا «ونتی» در روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل تغییراتی بنیادین داشته است. در حال حاضر، به واسطه دسترسی راحت و سریع به اطلاعات و گسترش ارتباطات و حذف تدریجی مرزهای فکری و جغرافیایی، ضرورت درک دقیق تر مفهوم جامعه بین‌المللی اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. این امر به دلیل ایجاد آثار جدید حقوقی و بین‌المللی، کاربرد جدیدی در عرصه جهانی و تعامل میان دولتها و سازمانها پیدا می‌کند (علیزاده و رحمانی، ۱۳۹۵: ۲).

خصوصیات جامعه بین‌المللی را می‌توان در سه خصیصه خلاصه کرد: الف- جامعه بین‌المللی جامعه‌ای است که از لحاظ جغرافیایی، واحد و جهانی است. ب- جامعه بین‌المللی جامعه‌ای است که از لحاظ اجتماعی متفاوت و مختلف است ج- جامعه بین‌المللی جامعه‌ای است که از لحاظ حقوقی مساوی است. مهمترین خصیصه جامعه جهانی مربوط به جهانی بودن آن است. به عبارت دیگر، کلیه ملل مختلف جهان بر روی یک کره خاکی سکنی داشته، مجموعاً جامعه بین‌المللی را تشکیل می‌دهند و هیچ یک را نمی‌توان از این مجموعه خارج دانست (موسی‌زاده، ۱۳۹۵: ۹).

مقصود از جامعه بین‌المللی در گذشته کشورهایی با منافع فردی بود که تنها راه حفظ منافع آنان و همچنین، گسترش آن اقدامات یکجانبه‌گرایانه بود، اما امروزه منظور از جامعه بین‌المللی مجموعه‌ای از دولتها با منافع مشترک هستند که تنها راه حفظ این منفعت و گسترش آن حرکت در مسیر چندجانبه‌گرایی می‌باشد.

پیشینه تحقیق

به منظور تبیین بهتر موضوع و نمود جنبه‌های نوآورانه مقاله لازم است تا پیشتر پژوهش‌هایی که در ارتباط با این موضوع صورت گرفته است، بررسی و مورد مطالعه قرار گیرد.

الوندی، محمدجواد (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحول در مفهوم میلیتاریسم و تاثیر آن بر روابط بین‌الملل با تاکید بر یکجانبه‌گرایی نظامی آمریکا»، به این موضوع پرداخته است که پیدایش هر اصطلاح، زاینده شرایط خاصی می‌باشد. تغییر آن شرایط ممکن است به حذف، زوال و یا تحول مفهوم یا مصداق آن اصطلاح یا کلید واژه منجر گردد. میلیتاریسم اصطلاحی است که با توجه به بار مفهومی و مصداق خاص خود، از ادبیات سیاسی - نظامی قابل حذف نمی‌باشد، گرچه تغییر شرایط می‌تواند مفهوم و مصداق آن را متحول سازد. لذا، نگارنده در مقاله تلاش نموده است که تحولات مفهومی و محتوایی اصطلاح میلیتاریسم را با تاکید بر یکجانبه‌گرایی

_____چالشهای جامعه بین‌المللی در اقدامات یکجانبه‌گرایانه آمریکا..... ♦

آمریکا بررسی نموده و در نهایت، تاثیر این مقوله را بر روابط بین‌الملل مورد مطالعه قرار دهد. متقی، افشین؛ فرجی نصیری، شهریار (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی ژئوپلیتیک بر سیاست یکجانبه‌گرایی ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه از منظر سازه‌نگاری» به این امر پرداخته که ایالات متحده آمریکا پس از جنگ سرد به عنوان تنها هژمون نظام بین‌الملل خود را متعهد به تأمین امنیت مناطق مختلف دنیا می‌دید. یکی از این مناطق که بیش از هر جای دیگر مورد توجه امنیتی، سیاسی، اقتصادی و در یک کلام توجه همه‌جانبه او قرار دارد، منطقه خاورمیانه است. منطقه خاورمیانه به دلایل ژئوپلیتیک مختلف مانند ذخایر عظیم نفتی و گازی، بی‌ثباتی‌های پی‌درپی، اسلام سیاسی و غیره، یکی از مناطق استراتژیک مهم دنیا تلقی می‌شود که تأمین امنیت آن نقشی اساسی در سیاست خارجی ایالات متحده پیدا کرده است، اما آنچه در مورد تحرکات امنیتی آمریکا در منطقه خاورمیانه درخور توجه است، رویکرد تکروی و یکجانبه‌گرایی و غیرمشورتی این کشور با قدرت‌های مختلف جهانی و منطقه‌ای است، که به سیاست «یکجانبه‌گرایی» ایالات متحده معروف گردیده است. لذا، در مقاله به یکجانبه‌گرایی آمریکا در خاورمیانه با توجه به مثابه سرشار آن پرداخته است.

تخشید، محمدرضا؛ نوریان، اردشیر (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «یکجانبه‌گرایی آمریکا و تأثیر آن بر نقش منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، به این موضوع پرداخته است که با توجه به حذف رقیب اصلی از صحنه رقابت و برتری آمریکا در صحنه جهانی، این احتمال، دور از ذهن نبود که اقدامات آمریکا در منطقه حساسی مانند خاورمیانه، علاوه بر تثبیت هژمونی آن کشور بر منطقه، تمامی قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ایران را در حاشیه قرار دهد، اما روند تحولات نشان می‌دهد که این رویکرد به خاورمیانه، نه تنها موجب کاهش و انزوای نقش ایران نشده است، بلکه یکی از پی‌آمدهای آن، توسعه نفوذ و افزایش شعاع تأثیر ایران بر منطقه بوده است. لذا، در این پژوهش به بررسی این امر پرداخته که آیا تاکنون ایالات متحده در عراق به اهدافی که داشته است، دست یافته یا نه؟ و مسئله دیگر، این که عملکرد آمریکا در موضوع عراق، آیا تأثیری بر نقش ایران در منطقه داشته است یا خیر؟ و اگر داشته، این تأثیر چگونه بوده است؟ با نگاهی به ساختار قدرت در منطقه خلیج فارس، پس از پایان جنگ جهانی دوم می‌توان سهم قطب اصلی به عنوان بازیگر و سه نوع ساخت قدرت را از هم تمیز داد. نتیجه گیری در یک نگاه کلی می‌توان گفت در پی پیروزی جریان‌های اسلام‌گرا در خاورمیانه که مقارن با پیروزی حزب‌الله در لبنان و پیروزی شیعیان در عراق و کسب اکثریت پارلمانی این کشور و پیروزی چشمگیر حماس در فلسطین و تشکیل دولت، توسط این جریان و پیروزی اخوان المسلمین در انتخابات پارلمان مصر و شکست آمریکا در عراق و بازگشت مشکلات عمده در افغانستان به همراه حضور گروه‌های جهادی طرفدار ایران در حاکمیت آن کشور است، همگی چالش‌های عمده‌ای برای

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹ —

طرح‌های راهبردی آمریکا در خاورمیانه هستند که این روند موجب پیدایش یک حاشیه امنیتی قوی برای جمهوری اسلامی شده است؛ بطوری که هرگونه، تقابل نظامی آمریکا با ایران می‌تواند منجر به واکنش جریانات اسلام‌گرا و مردم خاورمیانه علیه آمریکا باشد.

عامری گلستانی، حامد، شجاعی (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان «مقایسه رویکرد یک‌جانبه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی ایالات متحده در قبال پرونده هسته‌ای ایران»، به این امر پرداخته است که برنامه هسته‌ای ایران، یکی از موضوع‌های مهم در رابطه آمریکا و ایران پس از انقلاب اسلامی است. رویکردهای مختلف آمریکا در قبال این پرونده نقش مهمی در فراز و فرود آن داشته است. دو رویکرد «یک‌جانبه‌گرایی» و «چندجانبه‌گرایی» از جمله مهم‌ترین آن‌هاست. در دوره جرج دبلیو بوش، آمریکا با پی‌گیری سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه، هژمون شدن را دنبال می‌کرد. در سال‌های آخر بوش، سیاست این دولت به دلیل ناکارآمدی‌های آن در خاورمیانه، رو به چندجانبه‌گرایی گذاشت، که البته رویکردی قوی نبود. اوباما سیاست‌های چندجانبه را در زمینه‌های مختلف، از جمله پرونده ایران دنبال کرد و مذاکره با ایران، و همکاری با کشورهای ۵+۱ حاصل چندجانبه‌گرایی آمریکا و تغییر در سیاست‌های ایران بود. این مقاله، با روش مقایسه‌ای، به دنبال مقایسه این دو رویکرد اساسی با این پرسش است که «رویکردهای دولت بوش و اوباما در قبال پرونده هسته‌ای ایران، چگونه با هم قابل مقایسه‌اند؟» با این فرضیه که «در مقایسه میان سیاست آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران، «هژمونیک‌گرایی و نظامی‌گری» شاخص‌های مهم یک‌جانبه‌گرایی و «همکاری و نهادگرایی بین‌المللی» شاخص‌های مهم چندجانبه‌گرایی هستند.»

معیارهای یک‌جانبه‌گرایی

یک‌جانبه‌گرایی دارای نمودها و معیارهایی می‌باشد که مشخصه بارز این سیاست بوده و رفتارهای خاصی را شامل می‌شود که ذیلاً به آن خواهیم پرداخت.

معیار هژمونیک‌گرایی

از جمله شاخص‌های یک‌جانبه‌گرایی هژمونیک‌گرایی می‌باشد. بنیاد یک‌جانبه‌گرایانه در سیاست خارجی ایالات متحده، از هژمونیک‌گرایی‌ای برمی‌آید که از مبانی مهم در سیاست خارجی ایالات متحده بود. باید در نظر داشت که سیاست‌های هژمونیک‌گرایانه آمریکا به صورت مشخص با مسأله مبارزه با تروریسم پس از ۱۱ سپتامبر موجب شد تا این کشور دست به اقدامات یک‌جانبه بزند (گلستانی و شجاعی، ۱۳۹۶: ۱۷۰).

درک عملکرد بین‌المللی آمریکا بدون توجه به رهبری طلبی جهانی این کشور دشوار است.

_____ چالشهای جامعه بین‌المللی در اقدامات یکجانبه‌گرایانه آمریکا..... ۵

بدیهی است این برتری، به همراه رهبری طلبی ایالات متحده، باعث بروز رفتارهای منحصر به فرد و متفاوت با سایر دولت‌های نظام بین‌الملل می‌شود. پس، منطقی است که تحلیل عملکرد بین‌المللی آمریکا در چهارچوب هژمونی این کشور صورت گیرد (موسوی شفائی، ۱۳۸۸: ۱۲۲).

نومحافظه‌کاران، پس از ۱۱ سپتامبر دست بالا در سیاست خارجی آمریکا کسب نمودند، و به حاکمیت ارزش‌های آمریکا بر جهان از طریق کلیه ابزارهای ممکن معتقد بودند. اینان، پس از این حادثه، خطمشی یکجانبه‌گرایی و استراتژی پیش‌دستانه را برای آمریکا تجویز کردند. نومحافظه‌کاران معتقد بودند که ۱۱ سپتامبر، بهترین فرصت برای ایالات متحده است تا هژمونی‌اش را بر جهان حاکم کند و نظام بین‌المللی را سامان بخشد. همچنین، معتقد بودند پس از فروپاشی کمونیسم، بنیادگرایی اسلامی، بزرگ‌ترین خطر برای جهان غرب محسوب می‌شود (Melvyn, 2004: 1).

معیار نظامی‌گری

نظامی‌گری را باید شاخص دوم و مکمل هژمونیک‌گرایی در سیاست یکجانبه‌گرایی آمریکا دانست. نومحافظه‌کاران معتقد به حاکمیت ارزش‌های آمریکا بر جهان (سلیمی، ۱۳۸۱: ۷۸) پس از پایان جنگ سرد بسیاری بر این باور بودند که دیگر خطری جهان را تهدید نخواهد کرد و صلح به امری نسبتاً پایدار تبدیل خواهد شد. از اینرو، رهبران کشورهای قدرتمند و در راس آنها آمریکا، به فکر کاهش بودجه نظامی افتادند. اتفاقی که برای مجتمع‌های نظامی صنعتی نگران‌کننده بود. کاهش تنش در جهان منجر به کاهش بودجه نظامی در کشورها و در نهایت، کاهش سفارش تولید اسلحه به سازندگان آن می‌شد. صاحبان این صنایع در کنار همراهان پرنفوذ خود در نهادهای تصمیم‌گیر ایالات متحده، تصمیم به ایجاد مراکز مطالعاتی متعددی گرفتند که وظیفه دارند بر روی مناطقی که از اهمیت ژئواستراتژیک بالایی برای آمریکا برخوردارند، تمرکز و رفتار رهبران کشورهای مختلف را تحلیل و نتیجه را نه‌آنطور که هست، بلکه آنطور که دست‌های پشت پرده می‌خواهند، منتشر کنند. این نتایج به منظور ایجاد یک دشمن فرضی در فضای سیاسی و رسانه‌ای آمریکا منتشر و شرایط را برای اقدام پیشگیرانه یا واکنش نظامی محیا می‌کند تا به مخاطب القا شود که برای حفظ امنیت کشور و جهان، نیاز به افزایش بودجه نظامی، افزایش تولید سلاح و استفاده بیشتر از مجتمع‌های تولید اسلحه وجود دارد و این دور باطل همچنان ادامه دارد و کشورهای زیادی را به بهانه مبارزه با تروریسم یا ایجاد دموکراسی به ورطه نابودی کشانده و میلیون‌ها انسان بی‌گناه را در خاورمیانه یا به کام مرگ فرو برده، یا آواره و بی‌خانمان و مجبور به مهاجرت کرده است (حسینی‌پور، ۱۳۹۵: ۲).

بر این اساس، پس از ۱۱ سپتامبر اقدام‌های نظامی پیش‌دستانه علیه چالشگران منطقه‌ای

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹ ———
آغاز شده که به نظر می‌رسد به بخش کلیدی راهبرد جهانی آمریکا تبدیل شده است. در چنین بستری، دولت‌های بزرگ راهبردهای موازنه‌ی ضمنی، غیرمستقیم یا محدود شده را از راه ائتلاف‌سازی و چانه‌زنی دیپلماتیک در مؤسسه‌های بین‌المللی یا ایجاد ائتلاف‌های نظامی چندجانبه و دوجانبه رسمی کوتاه‌مدت پی‌گیری می‌کنند (قهرمان‌پور، ۱۳۸۲: ۲۵).

چارچوب نظری در سیاست خارجی ترامپ

با روی کار آمدن دونالد جان ترامپ در ژانویه ۲۰۱۶ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا، سیاست خارجی این کشور دچار تغییرات اساسی شده است. برخی سیاست خارجی ترامپ را به لحاظ نظری دارای رگه‌هایی از واقع‌گرایی و عمل‌گرایی می‌دانند (کریمی فرد، ۱۳۹۷: ۲۸۵). بر این اساس، در سیاست دولت آمریکا در زمان دونالد ترامپ رگه‌هایی از گرایش به رئالیسم تهاجمی مشهود است که مبتنی بر نگاه جان مرشایمر می‌باشد و نقطه تمرکز این نظریه بر قدرت‌های بزرگ است، زیرا این کشورها هستند که بیشترین تأثیر را بر عرصه روابط بین‌الملل دارند.

وی بر این باور است که قدرت‌های بزرگ مترصد فرصت‌هایی برای بدست آوردن قدرت به بهای مقهور ساختن دول دیگر هستند (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۵). البته، سرنوشت کلیه کشورها چه قدرت‌های بزرگ و چه قدرت‌های کوچک‌تر همواره تحت تأثیر روابط رقابت‌آمیز اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا بوده است.

البته، رئالیستها معتقدند که ناامنی و بی‌ثباتی بارز نظام بین‌الملل است و همچون هنجار عادی پیوسته وجود دارد، البته این به معنای نبود مطلق امنیت در عرصه بین‌الملل نیست، زیرا حداقلی از امنیت مقتضای وجود بازیگران و نظام است، اما آنچه وجود دارد، غلبه ناامنی بر امنیت در حوزه نظام بین‌المللی است (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۶۸).

برای شناخت سیاست خارجی ترامپ باید بدو سیاست حزبی که نزدیکی بیشتری به آن وجود دارد، مورد مطالعه قرار گیرد تا از این منظر بتوان رویکر ترامپ در زمینه سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا و جریانی که به آن تعلق دارد را عنوان نمود.

حزب جمهوری خواه در سیاست خارجی آمریکا به سه جریان مربوط می‌شود: جریان اول، بین‌المللی‌گرایی محافظه‌کار است که بر فعالیت ایالات متحده در عرصه سیاسی، اقتصادی و نظامی در خارج از آمریکا اهتمام دارد. دومین گروه انزوایی‌گرایی محافظه‌کارانه است که از جنگ‌های خارجی اجتناب دارد و معتقد است باید هزینه‌های نظامی کاهش یابد. در نهایت، سومین گروه، ناسیونالیسم محافظه‌کار است. این گروه تمایلی به کمک‌های خارجی و مداخلات بشردوستانه ندارد، اما همواره به قدرت دفاع ملی و مواضع سرسختانه نسبت به دشمنان آمریکا

_____ چالشهای جامعه بین‌المللی در اقدامات یکجانبه‌گرایانه آمریکا..... ♦

اهتمام دارد. مطالعه و شناخت سیاست خارجی ترامپ بسیار دشوار است. برخی ترکیبی از این دیدگاه‌ها را در رفتار ترامپ مورد تأکید قرار داده‌اند، اما وی در سیاست خارجی به جریان ناسیونالیسم محافظه‌کار تعلق دارد (بیگدلی و خیبری، ۱۳۹۶: ۱۷-۱۶).

همچنین، تحلیل‌گران سیاسی بر این باورند که ترامپ به دلیل تاجر بودن و سوابق اجرایی در زمینه مسائل اقتصادی، سیاست خارجی منفعت‌طلبانه را در پیش گرفته است. ترامپ در جریان مبارزات انتخاباتی و پس از حضور در کاخ سفید همواره از نگاه به داخل سخن رانده است، اما رویکرد ترامپ نشان می‌دهد وی برای تحقق رؤیای اول آمریکا و سیاست خارجی منفعت‌طلبانه مجبور به «مداخله‌گرایی» است. به عبارتی، مداخله‌گرایی گزینشی و سیاست تهاجمی از رویکردهای اصلی ترامپ پس از ورود به کاخ سفید است (اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۵: ۷).

لذا، سیاست یکجانبه‌گرایی جزء لاینفک سیاست خارجی آمریکا در دوران دونالد ترامپ بوده و البته، این یکجانبه‌گرایی در اشکال مختلفی خود را نمایان کرده است. این صورتهای یکجانبه‌گرایی البته مبتنی بر همان چارچوب نظری حاکم بر سیاست خارجی دولت ترامپ می‌باشد که از نظر گذشت.

یکجانبه‌گرایی در عدم پایبندی به اسناد بین‌المللی

معاهدات بین‌المللی براساس ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری یکی از منابع حقوق بین‌الملل محسوب می‌گردد که دولتها به واسطه آن سعی در ایجاد نظم بین‌المللی و همچنین، قاعده‌مند نمودن رفتار دولتها در عرصه بین‌المللی دارند. همچنین، از آثار دیگر این معاهدات ایجاد منافع مشترک میان آنهاست که رویکرد به چندجانبه‌گرایی را توسعه می‌دهد.

با روی کار آمدن ترامپ و شعار نخست «آمریکا»، او از آمریکا در برابر نظام بین‌الملل و معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی سلب مسئولیت کرد. خروج از برجام، نقتا، معاهدات آب و هوایی، ترانس پاسیفیک ... بخشی از این اقدامات دونالد ترامپ است. این رویکرد سیاست خارجی ترامپ، به رادیکالیزه شدن نظام بین‌المللی و روی کار آمدن افراد و جریان‌های تندرو و جنگ‌طلب در کاخ سفید و مراکز حساس نظامی و امنیتی آمریکا کمک کرده است. ترامپ نشان داده است که نه برای ساختارهای سیاسی آمریکا ارزش قائل است و نه به اصول پذیرفته شده سیاست خارجی این کشور بها می‌دهد (یزدان فام، ۱۳۹۵: ۳۳).

خروج از برجام و اعمال تحریم علیه ایران

جمهوری اسلامی ایران و کشورهای ۵+۱ پس از چند سال مذاکره جهت حل و فصل موضوعات مربوط به مسئله هسته‌ای ایران و رفع تحریم‌های ظالمانه علیه کشورمان در تیر ماه ۱۳۹۴ به

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹ ———
 جمع بندی متن برنامه جامع اقدام مشترک دست یافتند و پس از آن در فاصله کوتاهی بنا بر توافق صورت گرفته میان طرفهای مذاکره کننده، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد در این خصوص تصویب گردید (مردانی و حسن زاده، ۱۳۹۶: ۱).
 در خصوص برجام باید گفت، برجام یک سند بین المللی است و نام آن مخفف عبارت برنامه جامع اقدام مشترک است. این سند یک موافقتنامه بین المللی است که پس از ۲۲ ماه مذاکرات فشرده در مورد مسایل اتمی ایران در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ در وین (اتریش) میان نمایندگان جمهوری اسلامی ایران، دولت‌های گروه ۵+۱ و نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا مورد توافق قرار گرفت و به نوعی خاتمه مناقشات چندین ساله ایران و این کشورها در خصوص برنامه هسته‌ای کشورمان می‌باشد (بازیار، ۱۳۹۶: ۲).
 بنیامین نتانیاهو این توافق را یک اشتباه تاریخی دانست و کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز ابراز نگرانی کردند که این توافق نوعی پوشش بین المللی برای فعالیتهای هسته‌ای ایران می‌باشد. برخی کشورها از جمله کانادا از ریشه با آن مخالف بوده و برنامه هسته‌ای ایران را در هر حال تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی می‌دانند. عربستان نیز در ابتدای توافق آن را خوب تلقی نمود، اما در ادامه عنوان نمود که این توافق مانع از فعالیتهای ایران در منطقه نخواهد بود. قطر به دلیل روابط خوب خود با تهران آن را عامل ثبات منطقه دانست و در مجموع، شاهد واکنش‌های متفاوتی پیرامون این توافق هستیم (شیرازی، ۱۳۹۴: ۲۹-۲۷).
 آمریکا در نوامبر ۲۰۱۸ و پس از مقدمه‌سازی نتانیاهو، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، از برنامه جامع اقدام مشترک خارج شد و رسماً دور جدید تحریم‌های جمهوری اسلامی ایران را اعلام کرد. این تحریم‌ها در زمینه‌های انرژی، بانکی، حمل و نقل و صنایع کشتی‌سازی آغاز گردید. این امر منجر به نقض حقوق شهروندان ایرانی در زمینه طیف وسیعی از حقوق بشر مانند حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی گردید. با توجه به نص منشور موضوع تحریم در محدوده اختیارات شورای امنیت طبق ماده (۴۱) و پس از احراز تهدید و یا نقض صلح امنیت بین المللی وفق ماده (۳۹) تعریف شده و البته، با صدور قطعنامه می‌باشد که صدور قطعنامه از شاخص‌های چندجانبه‌گرایی می‌باشد. بدیهی است تحریم‌های یکجانبه اگرچه در قالب دکترین قابل توجیه است، اما برخلاف نص منشور بوده و البته، دیوان بین المللی دادگستری در قرار صادره در دعوی ایران علیه آمریکا مبنی بر نقض معاهده مودت به واسطه خروج آمریکا از برجام و اعمال مجدد تحریم‌ها، بر این امر تاکید کرده که مسائل حقوق بشری شامل تحریم‌ها نمی‌گردد. اگرچه تمام تحریم‌های آمریکا در همه ابعاد ناقض حقوق بشر مردم ایران بوده است.

خروج از نفتا^۱

قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی موسوم به نفتا موافقت‌نامه‌ای است که در ژانویه ۱۹۸۸ امضا شد و در ژانویه ۱۹۸۹ به اجرا در آمد. این توافق‌نامه میان کانادا، مکزیک و آمریکا به اجرا در آمده است. این موافقت‌نامه مهمترین ویژگی در روابط تجاری دوجانبه ایالات متحده و مکزیک است (Will & MacPherson, 2001: 4). بر این اساس، از ژانویه ۲۰۰۸، کلیه تعرفه‌ها و سهمیه‌های صادرات ایالات متحده به مکزیک و کانادا بر اساس توافق‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی حذف شد.

این موافقت‌نامه به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد تا کالاهای واجد شرایط را برای مشتریان در کانادا و مکزیک بدون مالیات حمل کنند. کالاها می‌توانند به چندین روش تحت قوانین مبدا موافقت‌نامه نفتا واجد شرایط شوند. این امر ممکن است به دلیل محصولاتی باشد که به طور کامل در یک کشورهای طرف توافق نفتا تهیه یا تولید می‌شود یا به دلیل اینکه طبق قانون مبدا محصول مقدار کافی کار و مواد مورد نیاز در یک دولت طرف توافق نفتا وجود دارد تا محصول هنگام صادرات به همان چیزی که هست تبدیل گردد (Villarreal & Fergusson, 2017: 3).

ترامپ در دوران ریاست جمهوری پیمان نفتا را بدترین پیمان طول تاریخ خواند و دلیل آن را از دست رفتن فرصت‌های شغلی و مخالف منافع ملی خود خواند.^۲ آمریکا تعهدات معاهداتی خود با مکزیک را بصورت دوطرفه تعلیق و سپس، وارد پیمان جدیدی با مکزیک شد و بر این اساس، از این کشور امتیازاتی گرفت. این تغییرات شامل بخش خودرو (تولید ۷۵ درصد ارزش یک خودرو در مکزیک یا آمریکا)، بخش کشاورزی (تعرفه صفر محصولات کشاورزی که بین آمریکا و مکزیک)، حذف تعرفه‌های آنتی دامپینگ از قرارداد، بازبینی توافق هر ۶ سال یکبار و افزایش مدت دوره قرارداد به ۱۶ سال می‌باشد.

چشم‌انداز توافق‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی که «توافق ایالات متحده-مکزیک-کانادا»^۳ نام گرفته است، متخصصان و شهروندان مربوط به محیط‌زیست را نگران کرده است، زیرا احتمال تخریب محیط‌زیست در هر کشور را تشدید می‌کند. نگرانی در تجارت این است که مقررات مربوط به حفاظت از محیط‌زیست موافقت‌نامه تجارت را مختل می‌کند و می‌تواند منافع مثبت اقتصادی را نفی کند (Brooks, 2019: 12).

^۱ North American Free Trade Agreement (NAFTA)

^۲ باشگاه خبرنگاران جوان، (ترامپ از احتمال خروج آمریکا از پیمان «نفتا» خبر داد)، ۱۲ خرداد ۹۷.

^۳ US-Mexico-Canada Agreement

خروج از توافق پاریس

توافق پاریس، که با نام پیمان پاریس نیز شناخته می‌شود، ذیل چارچوب پیمان نامه سازمان ملل در تغییر اقلیم (UNFCCC) در رابطه با کاستن از انتشار گازهای گلخانه‌ای، سازگاری و امور مالی است که از سال ۲۰۲۰ شروع می‌شود. متن توافق از سوی نمایندگان ۱۹۵ کشور در کنفرانس تغییر اقلیم ۲۰۱۵ سازمان ملل متحد در پاریس مذاکره و با اجماع در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵ تصویب شد. در ۲۲ آوریل ۲۰۱۶ (روز زمین) در مراسمی در نیویورک برای امضا معرفی شد. تا سال ۲۰۱۷، ۱۹۵۵ عضو UNFCCC این پیمان را امضا و ۱۴۷ کشور آن را به تصویب مجلس خود رسانده‌اند.

مهمترین توافقات جهانی تغییرات اقلیمی شامل کنوانسیون تغییرات آب و هوایی، پروتکل کیوتو و توافقنامه پاریس هر یک به نحوی کشورهای صادرکننده انرژی را تحت تأثیر تعهدات کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای قرار داده است. در این میان، کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی و پروتکل کیوتو که بر مبنای رژیم تمایزگرا شکل گرفته، مسئول شناختن کشورهای توسعه‌یافته در انتشار بیش از حد گازهای گلخانه‌ای تعهدات عمده کاهش انتشار را متوجه این گروه از کشورها نموده است (سلیمان پور؛ بنی‌اسدآزاد، ۱۳۹۶: ۲).

دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۷ اعلام کرد که کشورش از این توافق خارج می‌شود، زیرا منافع اقتصادی آمریکا را تهدید می‌کند. همچنین، اعلام کرد این توافق برای اقتصاد آمریکا ۳ تریلیون دلار هزینه داشته و باعث از دست دادن ۶٫۵ میلیون فرصت شغلی می‌شود.

بدیهی است با توجه به اینکه ذغالی سنگ نقش مهمی در اقتصاد آمریکا دارد و از طرفی دیگر، بیشترین آسیب را به محیط‌زیست می‌رساند، این قسم از یکجانبه‌گرایی آمریکا آن هم صرفاً در جهت تأمین منافع آمریکا و بدون توجه به منافع بین‌المللی چالش جامعه جهانی بود. اگرچه جو بایدن در دوران ریاست جمهوری خود اقداماتی برای پیوستن مجدد به این توافق انجام داد.

پیمان تجاری ترنس-پسیفیک^۱

موافقتنامه موسوم به شراکت ترنس-پسیفیک یک توافقنامه مشارکت اقتصادی استراتژیک اقیانوس آرام است که هدف از این معاهده تجاری که میان ۱۲ کشور حاشیه این اقیانوس و پس از ۷ سال رایزنی و مذاکره، بسته شده است، کاهش تعرفه‌های گمرکی میان کشورها عضو و افزایش همکاری‌های مشترک می‌باشد (Gleeson and others, 2017: 5).

^۱ . Trans-Pacific Partnership(TPP)

_____چالشهای جامعه بین‌المللی در اقدامات یکجانبه‌گرایانه آمریکا..... ♦

«پیمان تجاری اقیانوس آرام» اولین پیمانی بود که دونالد ترامپ بلافاصله پس از آغاز دوره ریاست جمهوری خود در بهمن ماه ۱۳۹۵، از آن خارج شد. ترامپ حفظ منافع آمریکا و پس گرفتن امتیازاتی است که به نظر او ایالات متحده به سایر کشورهای جهان داده است را دلیل خروج خود از این پیمان عنوان نموده است. ترامپ آن توافق را به زیان بخش صنعتی آمریکا دانسته و آن را اقدامی بزرگ برای حفظ حقوق کارگران اعلام کرد. با توجه به اینکه نرخ بیکاری در آمریکا با وعده‌هایی که ترامپ در دوران ریاست جمهوری خود داد، پایین آمد، اما این امر به قیمت ضربه زدن به اقتصاد آزاد دنیا و منافع جمعی سایر کشورها اتفاق افتاد که به تبع آن، منافی در کوتاه‌مدت برای آمریکا به همراه داشت. اگرچه سایر کشورهای عضو این پیمان معتقدند که این پیمان راهی برای مقابله با سلطه چین بر اقتصاد جهان بود و امروز این امر به یک چالش در اقتصاد آزاد دنیا مبدل شده است.

خروج از یونسکو^۱

سازمان آموزش، علمی و فرهنگی ملل متحد یا همان یونسکو یکی از سازمان‌های تخصصی وابسته به ملل متحد است که طبق ماده (۱) اساسنامه سازمان، هدف یونسکو کمک به صلح و امنیت در جهان از طریق ترویج تشریک مساعی میان ملل در امور تعلیم و تربیت و علوم و فرهنگ و همچنین، تقویت احترام جهانی به عدالت، حاکمیت قانون، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی می‌باشد (موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۴۰).

تا قبل از خروج رسمی آمریکا از این سازمان، بسیاری از اهداف نرم‌افزارانه و دیپلماسی عمومی آمریکا از طریق این سازمان و دیگر سازمان‌ها و نمایندگی‌های وابسته به آن به انجام می‌رسید. خروج ترامپ از یونسکو نشان‌دهنده راهبرد یک‌جانبه‌گرایی و انزواگرایی وی می‌باشد. او معتقد است که سازمان‌های بین‌المللی تاکنون هیچ کمکی به آمریکا نکرده‌اند. او می‌گوید آمریکا مدت‌ها است که از نهادها و توافقات بین‌المللی سود نبرده است (Overhaus&Brozush, 2016: 2).

بهانه اصلی ترامپ برای خروج از یونسکو عدم پرداخت تعهدات مالی خود به این سازمان و موضع‌گیری‌های ضد اسرائیلی این سازمان می‌باشد. یونسکو قبلاً فلسطین را به عنوان عضو این سازمان پذیرفته بود و اخیراً اعلام کرده بود که اسرائیل هیچ مالکیتی به بیت‌المقدس ندارد. از یک طرف، ترامپ از تعهد ۵۰۰ میلیون دلاری آمریکا به این سازمان شانه خالی کرده و از طرف دیگر، در یک اقدام سیاسی دست به تضعیف یک نهاد فرهنگی بین‌المللی در راستای حمایت از

^۱ . United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization(UNESCO)

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹ ———

اسرائیل زده است. ترامپ در مبارزات انتخاباتی خود این وعده را داده بود که پرداختی امریکا به سازمان ملل را کاهش خواهد داد. این رویکرد در راستای تضعیف راهبرد چندجانبه‌گرایی و نقش سازمان‌های بین‌المللی برای گفتگو و تعامل بوده و در نتیجه، روش‌های سخت‌افزارانه جای آن را خواهند گرفت (فتاحی اردکانی، ۱۳۹۸: ۱۷۴).

خروج از توافق نیویورک

«پیمان مهاجرتی سازمان ملل» موسوم به «پیمان نیویورک» که در سال ۲۰۱۶ و با همراهی اغلب کشورهای عضو سازمان ملل بسته شده است، کشورهای امضا کننده را متعهد می‌سازد که حقوق پناهنجویان را رعایت، محل اقامت را فراهم و دسترسی آنان به تحصیلات و شغل را تضمین کنند.

ترامپ در سخنرانی‌هایش در مورد مهاجران فقط با ورود و پذیرش مهاجران در کشورش مخالف نیست، بلکه وی در سخنرانی‌هایش مشخص کرده که مذهب، ملیت، ایدئولوژی، فرهنگ و ارزش‌ها و باورهای افراد مهاجر برای او مهم است و از معیارهای پذیرش مهاجران است (افخمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۵۲).

لذا زمینه را برای محدود کردن ورود مهاجران با خروج از توافق نیویورک و حذف تعهدات خود در این خصوص اجرایی نمود. دونالد ترامپ که حتی پیش از پیروزی در انتخابات، از اخراج گسترده مهاجرین سخن گفته بود، در ۲۰۱۷، از این توافقنامه خارج شد و پس از آن نیز اقداماتی گسترده برای اخراج مهاجرین از این کشور و همچنین، فشار بر روی بسیاری از پناهنجویان را آغاز کرد.

خروج از شورای حقوق بشر

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶ بعد از انحلال کمیسیون حقوق بشر آن سازمان به عنوان یک رکن فرعی مجمع عمومی به وجود آمد. این شورا یکی از مهمترین ارکان بین‌المللی در این زمینه می‌باشد که هدف آن ارتقاء و حمایت از حقوق بشر در تمام کشورها می‌باشد (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۸۷: ۲).

موضع‌گیری‌ها و بیانیه‌های این شورا در مورد نقض حقوق بشر توسط اسرائیل همواره مورد انتقاد آمریکا بوده و دوران پرفراز و نشیبی را طی کرده است. در سال ۲۰۰۹ اوپاما با تجدیدنظر در موضع‌گیری‌های قبلی آمریکا به عضویت این شورا درآمد. ترامپ اما در تقابل با این تصمیم‌گیری اوپاما مانند دیگر تقابل‌ها با انتقاد از رویه این شورا در برخورد با اسرائیل در تاریخ ۱۹ ژوئن ۲۰۱۸ از آن خارج شد.

_____چالشهای جامعه بین‌المللی در اقدامات یکجانبه‌گرایانه آمریکا..... ♦

شاید بتوان مهمترین دلیل آن را انتقال سفارت آمریکا به قدس دانست. یکی از جنجالی‌ترین تصمیمات ترامپ در حوزه سیاست خارجی اعلام انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به بیت‌المقدس (اورشلیم) در ۱۴ می ۲۰۱۸ بود. ترامپ با این تصمیم ضمن بی‌احترامی به نظرات سازمان ملل و هم‌پیمانان خود در اتحادیه اروپا، جهان اسلام و اعراب، تمام اصول و ارزش‌های دموکراتیک در تعهد آمریکا به میانجیگری عادلانه برای حل و فصل مناقشات بین اسرائیل و فلسطین را بر باد داد.

واقعیت این است که حقوق بشر جذائیتی برای ترامپ ندارد و او اعتقادی به آن ندارد. آمریکا سابقه بسیار بدی از نقض حقوق بشر از خود بر جای گذاشته است. حمله به کشورهای مستقل بدون مجوز سازمان ملل، راه‌اندازی زندان‌های مخوف گوانتانامو، ابو غریب و جاسوسی از شهروندان خود و دیگر کشورهای جهان همراه با اعمال شکنجه زندانیان از جمله روش غرق مصنوعی از موارد بیشمار نقض حقوق بشر توسط این کشور هستند. چرا ترامپ در برابر نقض حقوق بشر در یمن، عربستان سعودی و بحرین سکوت می‌کند؟ دلارهای سعودی چشم و دهان او را بر حقایق و فجایعی که بر شهروندان آنها می‌گذرد، بسته است. ترامپ پول را بهتر از هر چیزی می‌شناسد. در نظر او بهتر است آمریکا خشن و قدرتمند باشد تا جذاب و زیبا (فتاحی اردکانی، منبع پیشین: ۱۷۵).

این امر تا جایی پیش رفت که هفتاد و سومین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دسامبر ۲۰۱۸ قطعنامه‌ای را که جنبش عدم تعهد پیشنهاد داده بود، تصویب کرد تا به موجب آن، ۲۴ آوریل به عنوان روز بین‌المللی چندجانبه‌گرایی و دیپلماسی برای صلح نامیده شود.

یکجانبه‌گرایی آمریکا در ترور سردار سلیمانی

در پی حمله به ماشین حامل سردار سلیمانی توسط پهپاد آمریکایی مطابق قواعد حقوق بین‌الملل و به ویژه منشور ملل متحد دولت آمریکا مرتکب نقض‌هایی گردیده که ذیلاً به بررسی آن می‌پردازیم.

نقض حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی عراق

مطابق بند (۷) ماده (۲) دولتها ملزم به احترام به تمامیت ارضی دولتهای دیگر بوده و از دخالت در اموری که جزو صلاحیت حاکمیتی دولت دیگر است منع شده‌اند. امروزه اصل عدم مداخله تعدیل شده و محدود به مواردی خاص از جمله اقدامات نظامی در داخل خاک دولتهای دیگر می‌باشد. همچنین، مطابق قطعنامه تجاوز عمل صورت گرفته تجاوز می‌باشد، زیرا ماده (۱) قطعنامه تجاوز، در تعریف تجاوز مقرر می‌دارد که «تجاوز عبارت است از کاربرد نیروی مسلح توسط یک

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹ ———
دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولتی دیگر یا کاربرد آن از دیگر راههای
مغایر با منشور سازمان ملل متحد».

بر این اساس، ضمن شکل‌گیری مسئولیت برای دولت آمریکا، مطابق اساسنامه رم ماده (۸)
مکرر که عمل تجاوز ارضی را جرم‌انگاری نموده است، مسئولیت کیفری فردی نیز برای آمران و
عاملان این اقدام قابل پیگیری است. البته، از آنجایی که هیچ کدام از سه دولت ایران و عراق و
آمریکا عضو اساسنامه رم نیستند، امکان پیگرد از طریق دیوان کیفری بین‌المللی وجود ندارد.

ممنوعیت تهدید یا توسل به زور

مطابق بند (۴) ماده (۲) منشور ملل متحد دولتها در روابط خود با یکدیگر باید از تهدید یا
بکارگیری زور علیه یکدیگر خودداری کنند، اما این ماده از منشور ملل متحد دارای استثنائاتی
می‌باشد. این استثنائات عبارتند از ماده (۵۱) منشور که پیرامون دفاع مشروع و ماده (۴۲) منشور
که شامل اقدامات دسته جمعی اعضاء ملل متحد به منظور اعاده صلح و امنیت بین‌المللی
می‌باشد. به عبارت دیگر، دولتها با حصول شرایط مندرج در هر یک از دو ماده فوق می‌توانند
اقدام به توسل به زور نمایند که هر دو ماده در انطباق با واقع صورت گرفته ذیلا مورد بررسی
می‌گردد:

نخست: توجیه دفاع مشروع

ماده (۵۱) منشور ملل متحد در بیان شرایط دفاع مشروع مقرر می‌دارد که: «در صورت وقوع
حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ
صلح و امنیت بعمل آورد، هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع مشروع لطمه‌ای وارد
نمی‌کند...» بر اساس ماده (۵۱) منشور، حق دفاع مشروع در پی وقوع یک حمله مسلحانه
امکانپذیر است. در واقعه صورت گرفته به هیچ عنوان حمله مسلحانه‌ای علیه دولت آمریکا
صورت نگرفته است و اعتراضات مردمی عراق علیه سفارت آمریکا نه قابل انتساب به ایران است
و نه بصورت مسلحانه بوده است. اما مدتی است که دولت آمریکا اقدامات خود را در قالب دفاع
مشروع پیش‌دستانه توجیه می‌کند. اعلام دفاع مشروع پیش‌دستانه در استراتژی امنیت ملی
ایالات متحده آمریکا، دفاع مشروع را از مفهوم سنتی آن خارج نموده است. در پاسخ به این
توجیه نیز باید گفت در دفاع مشروع پیش‌دستانه حمله‌ای که احتمال وقوع آن می‌رود باید
قریب‌الوقوع باشد و نه براساس احتمالات و فرضیات که در واقعه صورت گرفته دولت آمریکا تا
به امروز هیچ اسنادی دال بر قریب‌الوقوع بودن و حتی وقوع یک حمله مسلحانه قطعی ارائه
نداده است.

دوم: اقدامات دسته جمعی اعضاء ملل متحد

در مورد ماده (۴۲) منشور نیز اقدامات دسته جمعی نیازمند قطعنامه شورای امنیت می‌باشد که در موضوع مورد بحث نه اقدامات بطور جمعی است و نه قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت در این خصوص صادر شده که توجیه‌کننده رفتار آمریکا باشد. بنابراین، در این موارد نیز شاهد نقض فاحش مواد منشور هستیم.

نقض قواعد حقوق بشری

اسناد حقوق بشری به صراحت بر حقوق بنیادینی اشاره دارد که دولتهای عضو موظف به رعایت آن هستند، از جمله این حقوق حق حیات می‌باشد که در ماده (۳) اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده (۶) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به آن اشاره شده و بر آن تأکید شده که هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه از زندگی محروم کرد. اقدام آمریکا در شهادت سردار سلیمانی بطور صریح نقض مفاد اسناد مذکور است. لازم به ذکر است که مطابق ماده (۴) میثاق چنانچه حتی شرایط اضطراری موجب تعلیق تعهدات حقوق بشری شود، این استثناء شامل حقوق بنیادین از جمله حق حیات نخواهد بود (بند ۲ ماده ۴ میثاق).

نتیجه‌گیری

با روی کار آمدن دونالد ترامپ شاهد تغییرات بزرگی در سیاست‌های آمریکا هستیم. رویکرد ترامپ بر این دیدگاه بود که آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم با ایجاد نظم بین‌الملل لیبرال یک معامله بد انجام داده است و او به سه دلیل می‌خواهد به این نظم بین‌الملل لیبرال پایان دهد: الف- آمریکا تعهدات زیادی را در سرتاسر جهان پذیرفته است. ب- اقتصاد جهانی مزیتی برای ایالات متحده آمریکا نداشته است. ج- آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم به مثابه یک مرد قدرتمند، اما دلسوز رفتار کرده است. لذا، شاهد اقدامات یکجانبه در اشکال مختلف به منظور کاهش تعهدات آمریکا در سطح بین‌المللی و زمینه‌سازی برای انجام اعمالی که به گفته او منافع ملی آمریکا را تامین می‌کند و البته، این اقدامات بدون توجه به منافع جامعه بین‌المللی اتخاذ گردید و لذا، چالشهای بزرگی را در دوران ریاست جمهوری او ایجاد نمود. در خصوص معیارهای یکجانبه‌گرایی باید به دو معیار هژمونیک‌گرایی و نظامی‌گری اشاره نمود که از مشخصه‌های بارز این اقدامات است و البته، معیار نظامی‌گری به دلیل هزینه‌های بالایی که داشته، کمتر مورد توجه ترامپ بوده است. در خصوص چارچوب‌های نظری دونالد ترامپ به نظر می‌رسد رگه‌هایی از گرایش به رئالیسم ته‌اجمی مشهود است که مبتنی بر نگاه جان مرشایمر می‌باشد و نقطه تمرکز این نظریه بر قدرتهای بزرگ است، زیرا این کشورها هستند که بیشترین تأثیر را بر

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹ ———

عرصه روابط بین‌الملل دارند. البته، برای شناخت سیاست خارجی ترامپ باید بدو سیاست حزبی که نزدیکی بیشتری به آن وجود دارد، مورد مطالعه قرار گیرد. در مطالعه این امر به نظر می‌رسد وی در سیاست خارجی به جریان ناسیونالیسم محافظه‌کار تعلق دارد. لذا، سیاست یکجانبه‌گرایی جزء لاینفک سیاست خارجی آمریکا در دوران دونالد ترامپ بوده و البته، این یکجانبه‌گرایی در اشکال مختلفی خود را نمایان کرده است. مهمترین اقدام ترامپ در اقدامات یکجانبه‌گرایانه کاهش تعهدات آمریکا در قالب خروج از تعهدات مرتبط با معاهدات و اسناد بین‌المللی می‌باشد. یکی از توافقاتی که آمریکا از آن خارج شد، برجام بود که با خروج از آن تحریم‌های بسیاری علیه وضع نمود و این تحریم‌ها ناقض بسیاری از حقوق بشر مردم ایران بوده است. توافقنامه دیگری که از آن خارج شد، قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی موسوم به نفتا بود که بر این اساس تلاش نمود تا بدو مکزیک و بعد کانادا را ملزم به نگارش قرارداد جدیدی نماید که به گفته او تامین‌کننده منافع آمریکا باشد؛ توافق جدیدی که توافق ایالات متحده-مکزیک-کانادا نام دارد و همگان آن را مغایر با حفظ محیط‌زیست می‌دانند. خروج از توافق اقدام دیگری بود که نشان داد ترامپ اهمیتی برای محیط‌زیست بین‌المللی قائل نیست و اقتصاد وابسته به ذغال سنگ آمریکا را به قیمت تخریب محیط‌زیست حفظ کرده است. اگرچه جو بایدن در دوران ریاست جمهوری خود اقداماتی برای پیوستن مجدد به این توافق انجام داد. موافقتنامه موسوم به شراکت ترنس-پسیفیک توافق دیگری بود که آمریکا از آن خارج شد، اگرچه سایر متعهدات معتقد بودند که این پیمان برای جلوگیری از سلطه چین بر اقتصاد جهان است و خروج آمریکا زمینه‌های این سلطه را فراهم کرد. خروج از یونسکو نیز گام دیگری بود که بی‌اهمیتی آمریکا به مسائل حقوق بشری را نمایان کرد و رفتار کاسب‌مابانه ترامپ را غالب بر رعایت تعهدات حقوق بشری نشان داد. بهانه اصلی ترامپ برای خروج از یونسکو عدم پرداخت تعهدات مالی خود به این سازمان و موضع‌گیری‌های ضد اسرائیلی این سازمان می‌باشد. توافقنامه دیگر «پیمان مهاجرتی سازمان ملل» موسوم به پیمان نیویورک که اجازه هر گونه تصمیم در قبال پناهجویان را به او می‌داد و البته، خروج از شورای حقوق بشر پازل بی‌اهمیتی به حقوق بشر را ترامپ را تکمیل کرد و مهمترین اتفاق در خصوص آن انتقال سفارت خود به بیت‌المقدس است که بدون توجه به مخالفت جامعه جهانی صورت گرفت. همچنین، در خصوص ترور سردار سلیمانی شاهد نقض قواعد حقوق بین‌الملل از جمله نقض حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی عراق، ممنوعیت تهدید یا توسل به زور و نقض حقوق بشر هستیم. این امر تا جایی پیش رفت که هفتاد و سومین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دسامبر ۲۰۱۸ قطعنامه‌ای را که جنبش عدم تعهد پیشنهاد داده بود، تصویب کرد تا به موجب آن، ۲۴ آوریل به عنوان روز بین‌المللی چندجانبه‌گرایی و دیپلماسی برای صلح نامیده شود.

منابع

الف: منابع فارسی

- رحمانی، شهرام؛ جعفری (۱۳۹۸). **تقابل یکجانبه‌گرایی و حاکمیت قانون در حقوق بین‌الملل**؛ مطالعه موردی: تحریمهای آمریکا علیه ایران، پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، ۹(۴).
- نامدار وندایی، سالار (۱۳۹۷). **طرح تحری مه‌های مجدد کنگره آمریکا علیه سپاه پاسداران؛ پیامدهای منطق‌های بین‌الملل**، اندیشکده راهبردی تبیین.
- طاهر خانی، ستاره (۱۳۸۸). **تروریسم و گذار آمریکا از یکجانبه‌گرایی به چندجانبه‌گرایی از سازمان ملل**، سیاست خارجی، سال بیست و سوم شماره ۲.
- پلینو، جک سی و روی آلتون (۱۳۷۵). **فرهنگ روابط بین‌الملل**، ترجمه حسن پستا، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- موسوی شفتائی، مسعود (۱۳۸۸). **نومحافظه‌کاری و هژمونی آمریکا، تحول هژمونی آمریکا در عصر نومحافظه‌کاران**، روابط خارجی، ۱(۲).
- حسنی‌پور، اسامه (۱۳۹۵). **نقش نظامی‌گری در سیاست خارجی آمریکا و ارتباط آن با بحران‌های خاورمیانه**، دومین همایش بین‌المللی شرق‌شناسی، مطالعات ایرانی.
- قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۸۲). **استراتژی آمریکا در خاورمیانه و روند یک‌جانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل**، در کتاب **آمریکا**، ویژه‌دکترین امنیت ملی بوش در خاورمیانه، تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.
- علومی یزدی، حمیدرضا (۱۹۹۹). **یکجانبه‌گرایی و حقوق بین‌الملل**، گزارش گروه کاری کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد.
- شیرازی، حبیب اله (۱۳۹۴). **کالبدشناسی مذاکره هسته‌ای ایران و آمریکا تا حصول برجام و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱**، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، دوره ۸، شماره ۳۰.
- بازیار، احمد (۱۳۹۶). **بررسی ابعاد سیاسی و حقوقی برجام از نظر بین‌المللی و داخلی (با تاکید بر بیانات مقام معظم رهبری)**، اولین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی، تهران، موسسه آموزش عالی علمی کاربردی مدیریت شهری و روستایی.
- مردانی، نادر؛ حسن زاده، احسان (۱۳۹۶). **مطالعه تطبیقی نقش و جایگاه برجام در نظام حقوقی ایران و آمریکا**، فصلنامه سیاست خارجی، ۳۱(۱).
- سلیمان‌پور، هادی؛ بی‌اسد آزاد، فرزانه (۱۳۹۶). **توافقنامه پاریس: محور جدید همکاری در منطقه خلیج فارس**، فصلنامه سیاست خارجی، ۳۱(۳).
- موسوی‌زاده، رضا (۱۳۸۹). **سازمان‌های بین‌المللی**، چاپ ۱۶، تهران: نشر میزان.
- فتاحی اردکانی، حسین (۱۳۹۸). **ظهور ترامپ و تأثیر آن بر کاهش قدرت نرم آمریکا**.

- ♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و سوم، زمستان ۱۳۹۹ ———
- فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۲۲(۸۲).
- تقی‌زاده انصاری، مصطفی (۱۳۸۷). **شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد**، اندیشه‌های حقوق خصوصی، ۵(۱۳).
- کریمی فرد، حسین (۱۳۹۶). **سیاست خارجی ترامپ و واقعیت‌های نظام بین‌الملل**، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۸(۲۸).
- نای، جوزف (۱۳۸۲). **قدرت نرم**، ترجمه محمد حسینی مقدم، راهبرد، شماره ۲۹.
- افخمی، علی؛ عابدینی، سیروس؛ محمودی بختیاری، بهروز (۱۳۹۷). **تحلیل گفتمان انتقادی سخنرانی‌های دونالد ترامپ در مورد مهاجران**، فصلنامه زبان شناسی اجتماعی، ۲(۱).
- علیزاده مسعود؛ رحمانی، ابراهیم (۱۳۹۵). **ضرورت درک تحول مفهوم جامعه بین‌المللی در حقوق و روابط بین‌الملل**، جستارهای سیاسی معاصر، ۷(۴).
- موسی‌زاده، رضا (۱۳۹۵). **بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی**، چاپ ۲۶، تهران: نشر میزان.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵). **آمریکا بر سر تقاطع: دموکراسی، قدرت و میراث جریان نومحافظه‌کاری در آمریکا**، ترجمه مجتبی امیری وحید، تهران: نشر نی.
- اندیشکده راهبردی تبیین (۱۳۹۵). **مجموعه مقالات سیاست خارجی دونالد ترامپ؛ چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های احتمالی**.
- بیگدلی، محمدرضا؛ خبیری، کابک (۱۳۹۶). **تاثیر سیاست خارجی دولت ترامپ بر مکانیزم امنیت دسته جمعی**، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال دهم، شماره ۴۰.
- مرشایمر، جان (۱۳۸۸). **تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ**، ترجمه: غلامعلی چگنی‌زاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- یزدان فام، محمود (۱۳۹۵). **سیاست خارجی ترامپ و جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره چهارم.

منابع لاتین:

- Melvyn. P, Leffler (2004). **Bush is Foreign Policy**, Foreign Policy Magazine, 3(6).
- Will, Renee, MacPherson, Alan (2001). **The Impact of the North American Free Trade Agreement on the Economy of Western New York**, Economic Development Quarterly, Vol 15, Issue 4.
- Villarreal, M. Angeles & Fergusson, Ian F. (2017). **The North American Free Trade Agreement (NAFTA)**, Congressional Research Service, 7.
- Brooks, Lance Compa(2019). **NAFTA and NAALC: Twenty-Five Years of North American Trade - Labour Linkage**, Second edition, Wolters Kluwer, 5.
- Gleeson, Deborah & others (2017). **The Trans Pacific Partnership**

Agreement, intellectual property and medicines: Differential outcomes for developed and developing countries, Global Social Policy, Vol 18, Issue 1.

-Nye, J. S. Jr. (2004). **Soft Power: The Means to Success in World Politics**, New York: Public Affairs.

-Wright, Thomas. (2016). **“The 2016 presidential campaign and the crisis of US foreign policy”**, Available at: www.lowyinstitute.org/publications/2016-presidential-campaign-and-crisis-us-foreignpolicy.

-Sachs, D. Jeffrey (2018). **“Trump’s Diminishing Power and Rising Rage”**, Available at: <https://www.project-syndicate.org/commentary/weaker-trump-more-unstable-and-dangerous-by-jeffrey-d-sachs-2018-11?barrier=accesspaylog> (accessed 25 May 2019).